

موقف مجمع مدافعان حقوق بشر در پیوند به سه سالگی غصب قدرت سیاسی در افغانستان توسط طالبان

آگست سال ۲۰۲۴

مردم عزیز افغانستان سه سال را در شرایط دشوار محدودیت‌های حقوق بشری، فقر گسترده و نبود مشروعیت و حاکمیت قانون سپری کردند. در این مدت اداره دیفکتوی طالبان آزادی‌های شهروندی را ممنوع و حاکمیت دیکتاتوری مذهبی افراطی را بر جامعه تحمیل کردند. طالبان حق مشارکت سیاسی را که از اساسی‌ترین حقوق شهروندی است نادیده گرفته و هیچ میکانیسمی را برای مشروعیت ملی طرح نکردند. نبود مشروعیت ملی سبب خلاء مشروعیت بین‌المللی شده و افغانستان را از روند پویای مناسبات جهانی منزوی گردانید.

در مدت سه سال گذشته مردم ما شاهد تخطی‌های گسترده حقوق بشری بوده است. زنان در افغانستان بار اصلی این بحران اجتماعی را به دوش کشیدند. همچنان کودکان در سخت‌ترین شرایط اقتصادی و اجتماعی، زندگی دشوار را سپری کرده اند. دامنه فقر و بیکاری گسترش یافته و شهروندان برای برون شدن از افغانستان در ردیف‌های مزدحم برای گرفتن پاسپورت صف بسته‌اند. گزارشات جهانی نشان‌گر آنست که افغانستان در عمق فاجعه بشری قرار داشته و کمیت وسیع شهروندان دچار امراض روانی و افسردگی شده‌اند. این در حالی‌ست که دلایل محدودیت‌سازی حقوق بشری شهروندان، جامعه جهانی نتوانسته حمایت‌های لازمی را برای مردم افغانستان ارائه دهد.

در مدت سه سال گروه‌های مدنی، فعالان حقوق بشری و مدافعان حقوق زنان به تهدید، شکنجه و زندان مواجه شده اند. طالبان در برابر دیگراندیشان و منتقدین برخورد غیر انسانی را دریغ نداشته و جامعه در اضطراب و پریشانی کامل قرار گرفته است. کمیت وسیعی از روشنفکران و شخصیت‌های خیر کشور را ترک کرده اند.

مجمع مدافعان حقوق بشر با در نظر داشت اعمال ضد انسانی طالبان در سه سال گذشته، نکات زیر را مطرح می‌نماید.

نخست، اداره دیفکتوی طالبان نماینده مردم افغانستان نبوده و با زور و استکبار بر مردم ما تحمیل شده است. ما از همه بازیگران ملی و بین‌المللی می‌طلبیم تا با فشار و تحمیل محدودیت‌های بیش‌تر بر اداره دیفکتوی طالبان، آن‌ها را وادار به مسئولیت‌پذیری در برابر اعمال شان سازند.

دوم، ما از جامعه جهانی مصرانه می‌خواهیم تا تامین پیش شرط‌های حقوق بشری به ویژه حقوق اساسی زنان افغانستان را در برابر هر نوع تعامل با اداره دیفکتوی طالبان در نظر گیرند. ما از همه دولت‌های جهان که خواهان تعامل با افغانستان هستند، می‌طلبیم تا میثاق‌های جهانی و به ویژه قطع‌نامه ۱۳۲۵ شورای امنیت را جدا رعایت نمایند.

سوم، ما از دولت‌های منطقه مصرانه می‌طلبیم تا ارزش‌های انسانی را قربانی تعاملات سیاسی و استراتژیک خود نسازند. این دولت‌ها نباید رهبران طالبان را که در لیست سیاه شورای امنیت سازمان ملل قرار دارند به کشور‌های خویش دعوت و از آن‌ها به عنوان نمایندگان دولت افغانستان استقبال نمایند. این کار برخلاف منشور سازمان ملل، کنوانسیون‌های جهانی و مقررات منطقه‌ای می‌باشد.

چهارم، ما از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد مصرانه می‌طلبیم تا ماموریت گزارش‌گر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر را تقویت نموده و در پهلوی آن تلاش همه‌جانبه صورت گیرد تا میکانیسم‌های بهتر و مستحکم‌تر حسابدهی برای اداره دیفکتوی طالبان را خلق نماید. این روند باید در روند گفت‌وگو و شنود سازنده با نهاد‌های مدنی و فعالان حقوق بشر راه اندازی شود.

پنجم، ما از حامیان مردم افغانستان به ویژه دونه‌های بین‌المللی مصرانه تقاضا داریم تا حمایت از نهاد‌های حقوق بشری در افغانستان و خارج از افغانستان را در صدر برنامه‌های خود قرار دهند. جامعه جهانی نباید مردم ما را در این شرایط

دشوار تنها بگذارند. حمایت های جهانی سبب می شود که نهاد های مدنی، فعالان حقوق بشر و مدافعان حقوق زنان در داخل و خارج از کشور از وضعیت حقوق بشر نظارت نمایند، تخطی ها را مستند سازی نمایند، برای احقاق حقوق قربانیان دادخواهی نمایند و گزارشات مستمر را از وضعیت حقوق بشر پخش و نشر نمایند.

ششم، ما از نهاد های مدنی و فعالان حقوق بشر صمیمانه می طلبیم تا در این شرایط دشوار، همبستگی، همدیگرپذیری و همکاری های خود را در دفاع از حقوق بشری شهروندان افغانستان بیشتر از هر زمان دیگر مستحکم سازند. ما در این شرایط پر مشقت به همدیگر خود برای یک هدف مشترک نیاز داریم و باید با طرح برنامه های سازنده همدیگر خود را حمایت نماییم.

هفتم، یکی از آسیب پذیر ترین گروه اجتماعی جامعه ما را هنرمندان عزیز کشور می سازد. طالبان هنر و هنرمند را در جامعه ما منع کرده اند. این کار زشت سبب شده است که فرهنگ جامعه ما به شدت آسیب ببیند. ما از همه نهاد های فعال مدنی و سیاسی در سطح کشور و خارج از آن مصرانه می طلبیم تا از هنر و هنرمندان عزیز کشور حمایت خود را دریغ نه نمایند.

هشتم، مردم افغانستان امیدوار هستند که جامعه جهانی به ویژه سازمان ملل متحد در کنار آن ها قرار داشته و منافع شان را در سطح جهانی از طریق میکانیسم های نظارتی حقوق بشری برآورده سازند. ما از همه نهاد ها و میکانیسم های نظارتی حقوق بشری در سطح سازمان ملل متحد که از کنوانسیون های جهانی نشأت گرفته اند تقاضا می کنیم تا برنامه های نظارتی شان را در امور حقوق بشر تشدید بخشند. این روند باید در هماهنگی و هم کاری با نهاد های مدنی در داخل و خارج از کشور راه اندازی شود.

نهم، وضعیت حقوق بشری زنان در افغانستان به یک فاجعه زمان تبدیل شده است. ما روزانه شاهد مصادیق روشن اپارتاید جنسیتی در افغانستان هستیم. تبعیض در سطح قوانین، پالیسی ها، ساختار ها و رفتار ها، زنان افغانستان را به شرایط وحشتناکی مواجه ساخته است. ما از دادگاه های بین المللی جدا تقاضا داریم تا به این تخطی های ضد انسانی توجه نموده و گروه های تحقیقی خود را برای مستند سازی و به رسمیت شناسی اپارتاید جنسیتی در افغانستان فعال سازد.

دهم، افغانستان سرزمین گروه های گوناگون اثنیکی و مذهبی است. اما حقوق آن ها به شدت زیر پا شده است. حق آزادی مناسک مذهبی از این گروه ها گرفته شده است. زبان های محلی این گروه ها مقید و محدود شده اند و فرهنگ تاریخی و مردمی آنان زیر پا شده است. ما از همه نهاد های ملی و بین المللی تقاضا داریم تا بر بنیاد اصل برابری و همگانی بودن حقوق بشر در کنار مردم افغانستان قرار گرفته و در رفع هر نوع تبعیض مساعی خود را به خرچ دهند.

مجمع مدافعان حقوق بشر